

از سان فرانسیسکو تا فردوسی!

شادی شجیعی  
 دکتری زبان و ادبیات فارسی ۹۶



«آنچه از سر عشق انجام می‌شود، فراسوی نیک و بد است.» نیچه  
 ما نتوانستیم دانشگاه‌ها را دریا یا کمبریج برویم! اما فردوسی، غول ادبیات پارسی، نام دانشگاهی است که قدم‌های ما را پذیرا شده است. روزهای اول دانشگاه، به‌خصوص اگر رشته دلخواه قبول شده باشیم، قدم‌هایمان پرشتاب و نگاهمان شوق‌انگیز است. نیامده‌ایم که آمده باشیم! آمده‌ایم که آرمان‌هایمان را زندگی کنیم و سپیدی‌های کاغذی، جهان‌بینی‌مان را روشن‌تر کند. دبیرستان امکان اظهار بسیاری از اندیشه‌ها یا توانایی‌ها نبود (بود؟)، اما آیا دانشگاه محیط جولان دادن اندیشه‌ها و افکار ما هست؟ بستر مناسب و گسترده‌ای برای یادگیری روابط درست میان دختران و پسران چطور؟ فارغ از جنسیت، آیا در اینجا صرفاً ما را از حرف‌های منحصر به فردمان می‌شناسند؟ و از میزان علمی که آموختیم و تولید کردیم؟ اصلاً اینجا می‌توانیم رشد کنیم؟ سال‌ها بعد به جایگاه اجتماعی ایده‌آل خود برسیم؟ ما را هزار امید است و هر هزار فردوسی است؟ برای ما چه می‌کند؟ ما برای او چه می‌کنیم؟

من حدود ده سال در دانشگاه فردوسی درس خوانده‌ام. تصور روز اول من با روز سه‌هزار و ششصد و پنجاهم من از دانشگاه بسیار تفاوت دارد، اما همچنان عجایب‌انگیز است. هدف را این همه دور تصور نمی‌کردم، اما حالا «بیاور» جزئی از من شده است. می‌دانم و می‌دانید که «دانشگاه» فقط مکان است؛ «علم روز دنیا» گاهی در کلام استادان برجسته، گاهی در میان قفسه‌های کتابخانه (به‌خصوص مرکزی‌جان)، گاهی در یادداشت‌های دوستان (کمی تا قسمتی...) و همیشه و همیشه در لپ‌تاپ شماست! پس راه باز و جاده دراز است. اگر به فردوسی آمده‌اید که رشد کنید، پس قطعاً می‌توانید! اگر باید سکوی پرتاب شما باشد، می‌باشد!

برخی تصور می‌کنند که تفاوتی میان افکار و سبک زندگی افراد دانشگاهی و غیردانشگاهی نیست و برآیند بیرونی آن فقط «کلاس گذاشتن» است. بله! ما کلاس‌های بسیاری گذاشتیم؛ کارشناسی، ارشد، دکتری، انجمن‌ها از هر رشته و گرایش، از علم و ادب و سیاست، از روح و روان و جسم، از سینما و تئاتر و موسیقی، از ادیان و ابهامات و چراهای بی‌شمار!

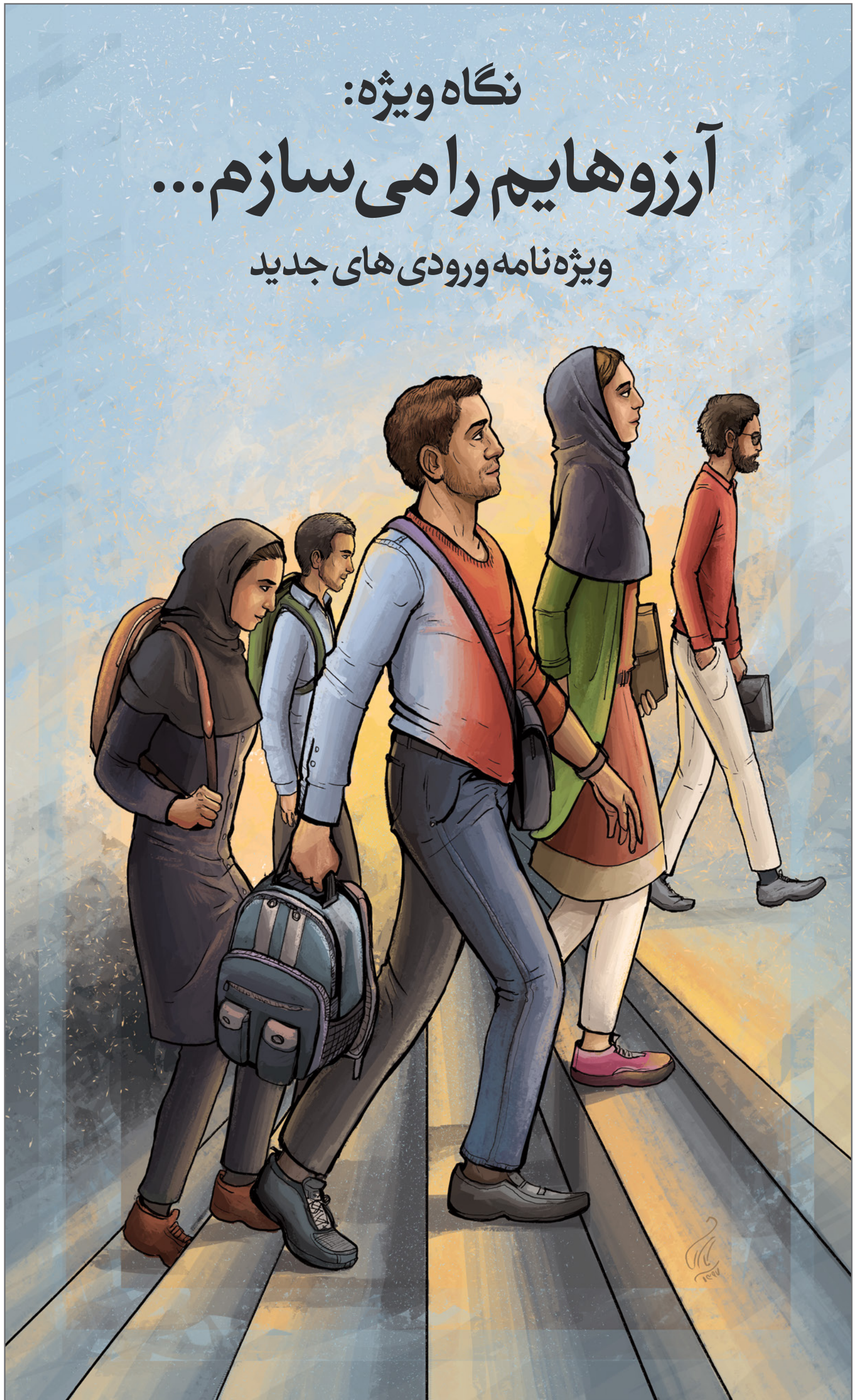
این کلاس‌های گاهی ملال‌انگیز و گاهی پرشور، نبود که ما را گردانید و چرخانید و رقصانید و در وادی حیرت فرو برد و بیرون کشید و چراهای ما را بی‌پاسخ گذاشت (گاهی هم پاسخ داد؟) و حالا ما پر از «حرف»-یم؛ حرف‌هایی که باز هم باید در کلاس‌هایی که می‌گذاریم مطرح شود و «پاسخ‌ها» و «راهکارها» در همان جا متولد شود. ما هزار برابر از روزهای قبل «کلاس» پر از «چون و چرا»یم و همین دغدغه‌ها در مقاله‌های ما نمود پیدا می‌کند و بُعد جهانی می‌یابد.

«فردوسی» درختان سربه‌فلک کشیده بی‌شماری دارد که می‌توان ساعت‌ها در کنارشان قدم زد و فکر کرد و فکر کرد. «فردوسی» خود «ما» هستیم؛ از سال ۱۳۲۸ که زیر نظر دانشگاه سان فرانسیسکو بودیم تا تک‌تک قدم‌هایمان به سمت مهرماه ۱۳۹۷؛ تک‌تک قدم‌های دکتر شریعتی، دکتر یوسفی، دکتر فیاض، دکتر متینی و بزرگان دیگر نظیر بانوان برجسته‌ای که توانستند غول شوند، اما نامشان نتوانست! و نظیر قدم‌های جاودان و بی‌پدیل دکتر یاحقی‌ها و دکتر «هما» زنجانی‌زاده‌ها در این روزها. به هر صورت «مادر آزادگان کم آرد فرزند». من این خانواده را می‌ستایم؛ هرچند تا رسیدن به کمال خود، قدم‌های نرفته بسیاری داریم.

سخن آخرم با نوورودان عزیزتر از جان، «قدر عاقبت دانستن» است. جوانی و سلامتی و روز از پی روز، مهیاست! ده سال بعد شاید نتوان با فراغتی وافر در قطب علمی یا کتابخانه مرکزی نشست و صبح را به شب رسانید (کمر درد نشد و بچه روی گاز نسوزاند!) و همچنین «قدر تحصیلات عالی» را یگان دانستن؛ که اگر دانسته شود، ممد حیات است و چون سبب تلاش شود، مفرح ذات... می‌دانم که اوضاع خانواده بزرگ‌ترمان، ایران، چندان خوش نیست، اما به قول دکتر بهروز محمودی بختیاری، دانشمند بی‌نظیر، «... شرایط امروز ما بدتر از آلمان پس از جنگ نیست و مشکلات اقتصادی را نباید توجیهی بر کم‌کاری علمی، تقلب بی‌کفایتی و بی‌توجهی آکادمیک دانست. می‌توان عرصه دانشگاه را به نفع تجارت رها کرد (که بسیاری چنین کرده‌اند). اما آن که نام خود را دانشجو یا استاد می‌گذارد، نباید کیان و اعتبار خویش را به خاطر مشکلات اقتصادی مخدوش و بی‌ارزش کند». بیتی از حافظ و امید به روزهای روشن و بدرود.

با امید به روزهای روشن برای نودانشجویان فرهیخته در دانشگاه فردوسی مشهد.

# نگاه ویژه: آرزوهایم را می‌سازم... ویژه‌نامه ورودی‌های جدید



## برگزاری سومین نشست شورای عمومی نشریه وقایع اتفاقیه



پنجشنبه ۱۵ شهریورماه، سومین نشست شورای عمومی نشریه وقایع اتفاقیه به صاحب‌امتیازی سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی مشهد، با حضور حدود ۵۰ تن از اعضای شورای عمومی نشریه و همچنین با حضور افتخاری دکتر مهدی نجف‌زاده و دکتر روح‌الله اسلامی، اعضای هیئت‌علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، در سالن شورای سازمان مرکزی جهاددانشگاهی برگزار شد. در این جلسه که بنا بر آیین‌نامه داخلی نشریه در پایان هر سال تحصیلی برگزار می‌شود، انتقادات و پیشنهادهای اعضای شورای عمومی به طور مستقیم مطرح شد و مورد بررسی قرار گرفت. مهندس حسین یوسفی، مدیر سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی، ضمن ارائه گزارشی از روند فعالیت نشریه در سال تحصیلی گذشته از زحمات علی قدیری به عنوان مدیر مسئول سابق نشریه وقایع اتفاقیه تقدیر و برای تیم جدید نشریه وقایع اتفاقیه به مدیرمسئولی فرناز محمدیان آرزوی موفقیت نمود. این مراسم با برش کیک یادبود وقایع اتفاقیه و عکس دسته جمعی حضار پایان یافت.

## زیست چهارساله بی تکرار...

پانزدهم، کسب ۳ عنوان برتر از ۸ عنوان جشنواره شانزدهم، کسب ۹ عنوان برتر از ۳۷ عنوان جشنواره هفدهم نشریات دانشجویی دانشگاه فردوسی و همچنین ۵ رتبه برتر در جشنواره‌های تیر نهم و دهم (جشنواره نشریات دانشجویی کشور)، از دیگر افتخارات نشریه دانشجویی وقایع اتفاقیه است. خلاصه کلام این که برای «وقایع اتفاقیه» تلاش کردیم و به آن افتخار می‌کنیم. چنانچه خواستید در دوران بی‌تکرار کارشناسی‌تان، تجربه کار ژورنالیستی را در کارنامه خود داشته باشید و به عبارتی تجربه کنید، پیامزید و از تأثیرات شگرفاش بی‌نصیب نمانید. تیم نشریه دانشجویی وقایع اتفاقیه تمام قد از شما استقبال خواهد کرد.

فعالیت در یک نشریه دانشجویی، به جرأت می‌توان گفت که تجربه‌ای تکرار نشدنی است؛ این که در فضایی امن و علمی خود و قلم‌تان را محک بزنید، اتفاقی است که خارج از دانشگاه و فارغ از این دوران رخ نخواهد داد و در خلال این آزمون و خطا، در آینده‌ای نه چندان دور از پیشرفت خود در این زمینه شگفت‌زده خواهید شد. نشریه‌ای که هم اکنون به دست گرفته و ورق می‌زنید، پر مخاطب‌ترین نشریه دانشگاه فردوسی در سه سال اخیر است؛ افتخاری که به واسطه تیم حرفه‌ای و کار گروهی مثال‌زدنی نصیبش شده‌است و البته کارنامه افتخاراتش تنها به این عنوان محدود نمی‌شود. کسب ۴ عنوان برتر از ۹ عنوان در جشنواره

زیست و چگونه می‌شود از زیست ۴ ساله بی تکرار دوره کارشناسی، سکوی برای آینده ساخت. سال ۱۳۹۳ برای تحصیل در مقطعی دیگر وارد دانشگاه فردوسی و بدون هیچ سوآلی وارد سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی شدم! حتما می‌پرسید چگونه بدون سوآل و تحقیق؟! علت آن تجربه سال‌های گذشته و در مقطع تحصیلی پیشین بود؛ دورانی که پس از فعالیت در تشکلهای دانشجویی مختلف، به سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی منتهی شد و بی‌ظن‌ترین لحظات را در آن تجربه کردم. حضور دوباره‌ام در سازمان دانشجویان، با کار در نشریه دانشجویی «وقایع اتفاقیه»، ارگان رسمی سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی آغاز شد. در خصوص تجربه

### مهدیه یآوری

دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی ۹۳

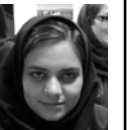


شاید وقتی تمام انتظارمان معطوف به این شده است که ماه مهر از راه برسد تا به دانشگاه برویم و دوره‌ای جدید را تجربه کنیم، هرگز در این فکر نبودیم که «به دانشگاه می‌رویم که چه کنیم؟!». با فرارسیدن چنین روزی، به تدریج وارد فاز جدیدی می‌شویم و صدایی می‌پرسد: «خب قبول شدی دیگه! چی شد؟! همین بود؟!». دقیقا در همین لحظه تاریخی است که باید بین این ملال و یأس و دورانی پربار و بی‌ظنیر یکی را انتخاب کرد! اما سوال اینجاست که وجه تمایز این دو حالت

## سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی

### پریسا فتاحی

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی ۹۷



سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی! نامشان را با آن تصویر بزرگی به یاد می‌آوردم که به شکل صفحه فیس‌بوک طراحی شده بود. پر از عکس مشاهیر و اساتید. در آن میان، احسان شریعتی، اصغر فرهادی و البته حسن روحانی را شناختم! مهوت تصاویر بودم که فردی (بعدها فهمیدم مدیر آن مجموعه است) توضیح داد که این افراد را دانشجویانی مانند شما به دانشگاه دعوت کرده‌اند. بی‌چون و چرا و با اشتیاق فرم عضویت را تکمیل کردم. دومین برخورد با این مجموعه، تماس تلفنی بود که همان هفته اول دانشجویی داشتم و به دفتر سازمان دانشجویان در دانشکده دعوت شده بودم. در همان دوره‌های کوچک فهمیدم چقدر می‌توانم به عنوان دانشجو توانمند و تأثیرگذار باشم. از آن به بعد چیزهای بسیاری آموختم؛ مدیریت فردی، مدیریت زمان، هیجانات، کنترل خشم و نفرت و شادی. اعتماد به نفس گرفتم و دریافتم عزم و اراده هر کار که بخواهم را دارم و قدرتی که همگان را دوست بدارم چرا که افراد حتما خصوصیات دوست‌داشتنی دارند. حال می‌بینم چطور به مرور فهمیدم که چگونه با وجود محدودیت‌ها، بدون تن دادن به ناامیدی و خستگی، بهترین ممکن را ارائه دهم، سخن مخالفانم را گوش دهم و با آنان گفت‌وگو کنم. نمی‌دانید همین که خودتان را عضوی از گروه بزرگ‌تری بدانید که هر چند مدتی، حساسی سر و صدا راه می‌اندازد و فعالیت‌هایش زیان‌زد خاص و عام می‌شود، چه لذتی دارد و چه تعریف دلچسبی از هویتتان ارائه می‌دهد. حال که چند سال گذشته و دید بازتری نسبت به گذشته پیدا کرده‌ام می‌بینم سازمان دانشجویان، بهترین محل برای تمرین و رسیدن به توانمندی توسعه یافته است.

راستش را بخواهید چهار سال برای صرفا درس خواندن خیلی زیاد است. در این سال‌ها برای ساعاتی سر از کتاب بیرون آورید و پا در عرصه عمل بگذارید، به ابعاد دیگر وجودی‌تان هم اجازه بروز و رشد دهید و برنامه‌هایی جز درس خواندن هم داشته باشید. می‌توانید پای فرهنگ، فلسفه، سیاست، تاریخ، شعر و گالری‌های نقاشی را به دانشگاه باز کنید و با سفر به مناطق دورافتاده به کودکان درس بدهید و حتی به همراه دوستانتان سفری خاطره‌انگیز به دل کویر داشته باشید. اگر این طور است پس حتما سری به دفتر سازمان دانشجویان در دانشکده خود بزنید. من و دوستانم زیباترین خاطرات چهارساله‌مان را اینجا ساخته ایم. دانشگاه هزار گوشه و کنج نشناخته دارد. هزار پتانسیل بالقوه که با دستان من و تو بالفعل می‌شود.



## اینجا چراغی روشن است...

### الهام جعفری

دانش آموخته ریاضیات و کاربردها ۹۲



از قول ابوالفضل بیهقی نقل کرده‌اند که «هیچ کتابی نیست که به یک‌بار خواندن نیارزد» یا «هر کتابی که به یک‌بار خواندن می‌ارزد» در حالی که این قول از مشهورات بی اساس است. همه ما دریافته‌ایم که بسیاری از کتب حتی ارزش توروک جدی را نیز ندارند. امروزه با تولید انبوه کتاب، نه تنها خواندن کتاب، بلکه خرید آن نیز دشوار است. این مساله از یک سو برای کتاب‌دوستان خوشایند و از سوی دیگر موجب تشویش خاطر آنان شده است. بدون شک در این مسیر، به آسانی و بدون برنامه و تدابیر لازم نمی‌توان جان سالم به در برد! خوشبختانه تفاوت بینش‌ها، سلاقی و تخصص‌ها به فریاد کتاب‌خوان‌ها می‌آید و انتخاب اولیه را انجام می‌دهند؛ اما گاهی خوانندگان در محدوده کتب موجود چنان احساس آزادی می‌کنند که از شدت آزادی سردرگم می‌شوند. این سوالات برای کسانی مطرح باشد که بپرسند چقدر و چگونه باید کتاب خوانند؛ اما شاید هنوز کسانی باشند که بپرسند چرا باید کتاب خوانند؟

یکی از مهم‌ترین اهداف و وظایف ما در زندگی این است که دائما تلاش کنیم تمایل به زیستن را در خود احیا کنیم و بتوانیم زندگی کنیم. این تمایل را می‌توان در آثار خلق شده توسط دیگران و به واسطه کتاب یافت. کتاب از معانی جدید با ما سخن می‌گوید و فرصت زیستن و تجربه در فضایی دیگر را به ما می‌دهد.

کانون کتاب و کتاب‌خوانی سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی مشهد با هدف ارتقاء فرهنگ مطالعه در میان اقشار مختلف دانشجویان تشکیل شده است. این کانون فضایی را برای گفت‌وگو، تبادل اندیشه و مشارکت دانشجویان فراهم می‌کند تا با معرفی کتب برتر در حوزه‌های مختلف مطالعاتی، برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی، دعوت از اساتید نام‌آشنای این حوزه و برگزاری جلسات نقد، بررسی و معرفی کتاب، به فعالیت‌های کتاب و کتاب‌خوانی انسجام بخشد. برای عضویت در کانون کتاب و کتاب‌خوانی کلمه «کتاب» را به شماره ۰۰۱۹۲۰۰۷۶۵۰۰۰ ارسال نمایید و یا به دفاتر فعال سازمان دانشجویان در دانشکده‌ها مراجعه کنید.



## زن در جامعه ایرانی



### سیمای تفکرینیا

کارشناسی مهندسی صنایع ۹۴

آیا تا به حال برایتان اتفاق افتاده است با تماشای یک فیلم یا مستند به این مسئله بیاورید که افراد به موضوع پرداخته شده در آن نیاز دارند؟ یا کتابی را بخوانید و به گفت‌وگو با نویسنده کتاب علاقه‌مند شوید؟ یا با اظهار نظرات فلان مسئول یا نماینده مجلس، موافق یا مخالف باشید و گفت‌وگو یا پرسش و پاسخ از او در فضایی آکادمیک را ضروری بدانید؟

بدون اغراق می‌توانم بگویم که تماشای فیلمی به نام سافروچت، چراغ کم‌سوی دغدغه چند ساله مرا در ذهن برافروخت و نیاز آگاهی بخشیدن به تعداد حداکثری افراد و لزوم اطلاع هر چه بیشتر از موضوع این فیلم (تاریخچه جنبش زنان حق رای زنان) را حس کردم و دانشگاه و جامعه دانشجویان را بستر مناسبی برای به اشتراک گذاری موضوع و بحث پیرامون آن یافتیم. از آن‌جا که عضو سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی بودم، ایده شکل گرفته در ذهنم را با چند تن از دوستانم در این مجموعه مطرح کردم و با آنان در راستای تکمیل طرح پیشنهادی مشورت کردم و فیلم‌های دیگری پیرامون موضوع مطالبات زنان انتخاب کردم با این هدف که فستیوال فیلمی با محوریت موضوع مذکور در دانشکده برگزار کنیم. از آن‌جا که موضوع پتانسیل بررسی داشت، با مشورت و راهنمایی دوستانی که تجربه فعالیت‌های شان بیشتر از من بود، تصمیم به برگزاری جلسه‌ای به صورت کرسی آزاداندیشی، برای بحث و بررسی موضوع از منظر مختلف، گرفتیم و در نتیجه این تصمیم از خانم دکتر هما زنجانی‌زاده (که در علم جامعه‌شناسی و به خصوص مسائل زنان از شهرت ملی برخوردار است)، دکتر ناهید مشایی و دکتر علی باغدار دلگشا دعوت به عمل آوردیم و پس از اخذ مجوز از دانشگاه، برنامه به صورت فستیوال فیلمی دو روزه و یک جلسه کرسی آزاداندیشی با هدف بررسی جامعه‌شناختی مطالبات زنان در ایران، در دانشکده مهندسی برگزار گردید. این برنامه با عنوان «زن در جامعه ایرانی ۳» نام‌گذاری شد و این انتخاب از این جهت بود که این برنامه ادامه‌دهنده مسیر دو برنامه دیگر با همین عنوان بوده که در سالیان گذشته توسط همین مجموعه (سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی) برگزار شده بود. پس از برگزاری برنامه زن در جامعه ایرانی، برنامه‌های شاخص دیگری پیرامون حقوق شهروندی (با دعوت از دکتر صالح نیکبخت و دکتر محمد بخشی محبی) و پدیده کودک‌همسری (با دعوت از طیبه سیاوشی و دکتر عابدینی) نیز از طریق همکاری با سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی برگزار نمودم.



## خانه سیاه است؟

### رویا رخناره

کارشناسی منابع طبیعی ۹۴



از شهریور ماه سال گذشته به عضویت سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی در آمدیم. از همان روزهای نخست درصدد پیگیری دغدغه‌هایم در این مجموعه برآمدیم. در ابتدا گمان می‌کردم که حال محیط زیست کشورمان کمی بد است و مانند سایر حوزه‌ها نیازمند توجه و مدیریت از سوی گروه‌های مربوطه دارد؛ اما کمی بعد دریافتم فضای یأس و ناامیدی در موضع محیط زیست چنان عمیق شده که کم‌تر از کسی از مسئولین و مقامات دولتی به گشایش کامل مشکلات محیط زیستی امید دارند و سازمان حفاظت محیط زیست در این چند سال عملا کاری از پیش نبرده است. علایق و دغدغه‌هایم در حوزه صیانت از منابع طبیعی و محیط زیست مرا به این فکر فرو داشت که آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی از طریق جامعه دانشگاهی می‌تواند موثر واقع شود و جامعه علمی می‌تواند در ارتقای توان تاب آوری طبیعت ایران موثر باشد.

خشک شدن هورالعظیم، شادگان، بختگان، ارومیه و زاینده رود، به خطر افتادن حیات وحش، نابودی جنگل‌های کشور، ماجرای تلخ خوزستان که مردمانش از هوای سالم بی‌بهره‌اند و دودی که گلولی کلان‌شهرها را گرفته است، همه و همه باعث شد که نخستین دغدغه‌ام را در مجموعه سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی پیگیری کنم و هدف از برگزاری برنامه این بود که اساتید و دانشجویان با چالش‌های طبیعت ایران آشنا شوند. این نشست با عنوان «خانه سیاه است؟» و با حمایت مجموعه سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی به سرانجام رسید.

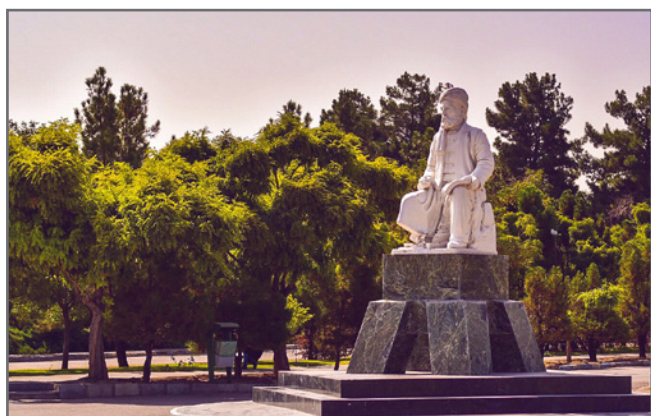
در این نشست از دکتر اسماعیل کهرم و مهندس محمد درویش که از پیشکسوتان حوزه محیط زیست کشور هستند و تلاش‌های ارزشمندی در این زمینه داشته‌اند، دعوت کردم. این برنامه که در سالن آمفی تئاتر دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست برگزار شد، با استقبال بسیاری از سوی اساتید، دانشجویان و سازمان‌های مردم‌نهاد مواجه گردید و موجب افزایش روحیه نشاط علمی و ترویج فرهنگ گفت‌وگو و تبادل آرا گردید. پس از این برنامه مصمم شدم که نشست‌های بسیاری در حوزه آسیب‌های اجتماعی در محیط زیست و مسائل آب کشور برگزار کنم که خوشبختانه با همکاری و حمایت‌های بی‌ظنیر مسئولین سازمان دانشجویان موفق شدم برنامه‌های قابل توجهی را به سرانجام برسانم.



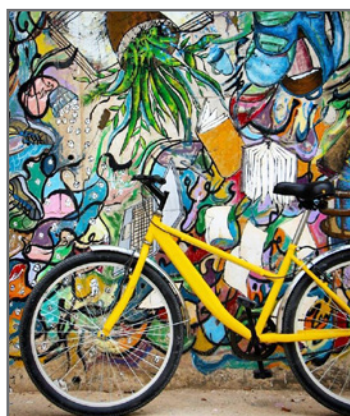




فردوسی به روایت تصویر



کیمیا بیونقی (کارشناسی ارشد حقوق خصوصی ۹۶) |  
 مجسمه فردوسی در شمالی |



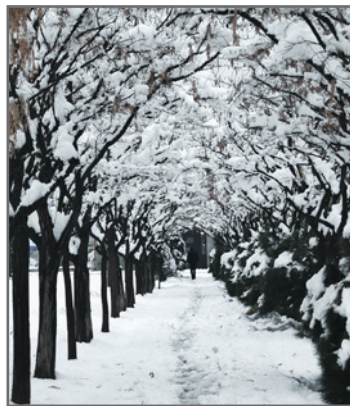
محمدحسین سمندری مقدم (کارشناسی مهندسی آب ۹۴) |  
 دانشکده معماری و شهرسازی |



محمدحسین سمندری مقدم (کارشناسی مهندسی آب ۹۴) |  
 گروه قدیم علوم باغبانی |



زهرا فرهنگدینیا (کارشناسی علوم آزمایشگاهی ۹۶) |  
 مسیر به سمت ورزشگاه ۲۲ بهمن |



آیتا جاویدان (کارشناسی مهندسی شهرسازی ۹۲) |  
 مسیر در شمالی تا میدان علوم |



کیمیا بیونقی (کارشناسی ارشد حقوق خصوصی ۹۶) |  
 مسجد حضرت زهرا (س) |



علیرضا صادقی (دکتری مکانیک ۹۱) |  
 خوابگاه پردیس |



شهرزاد نراقی (کارشناسی علوم دامی ۹۵) |  
 مسیر در شمالی تا میدان علوم |



محمدحسین سمندری مقدم (کارشناسی مهندسی آب ۹۴) |  
 ورودی دانشکده کشاورزی |



کیمیا بیونقی (کارشناسی ارشد حقوق خصوصی ۹۶) |  
 مسیر در شمالی تا میدان علوم |



مهلا شفیعا (کارشناسی ارشد مدیریت ۹۶) |  
 دانشکده علوم اداری و اقتصادی |



محمدحسین سمندری مقدم (کارشناسی مهندسی آب ۹۴) |  
 سازمان مرکزی |

نحوه عضویت پرتالی در سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی

گام اول

در پرتال دانشجویی خود، از نوار سمت راست گزینه «فرهنگی و اجتماعی» را انتخاب کرده و بر روی بخش «درخواست عضویت در تشکل‌های دانشگاهی» کلیک کنید.

گام دوم

از منوی باز شده، گزینه «تشکل‌های اسلامی» را انتخاب کرده و «سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی خراسان رضوی» را از ستون دوم تشکل‌ها انتخاب کنید.

گام سوم

بر روی گزینه «اساس نامه و ضوابط و مقررات» را خوانده و پذیرفته ام» کلیک کرده و در نهایت با فشردن کلید «ثبت نام»، برای عضویت در سازمان دانشجویان اقدام نمایید.